

آموزش حسابداری: چالش‌ها و راهکارها

محمدرضا پورعلی

مقدمه

حسابداری در توسعه اقتصادی کشورها نقش مهمی دارد. زیرا نظام‌های حسابداری اثربخش به گزارش‌دهی مربوط، قابل اتکا و به موقع می‌پردازد و به کشورها در موارد زیر کمک می‌کند:

- ۱- استفاده از منابع اقتصادی موجود برای بهبود سطح زندگی.
- ۲- جلوگیری از هدر رفتن تلاش‌ها و کاهش

ضایعات، سرقت و سایر زیان‌های اقتصادی.

- ۳- پاسخ‌گویی نسبت به درآمد دولت از محل مالیات‌ها و منابع دیگر.
- ۴- پاسخ‌گویی در مقابل سرمایه‌گذاران‌های داخلی و خارجی و جذب سرمایه‌گذاران.

بدیهی است دستیابی به موارد پیشگفته مستلزم آموزش صحیح دانشجویان حسابداری است. این مقاله در نظر دارد در بخش اول به مفهوم آموزش حسابداری و در بخش دوم به چالش‌های دانش و حرفه حسابداری پرداخته و در نهایت، راهکارهایی را برای بهبود آموزش حسابداری ارائه کند.



آموزش حسابداری

آموزش به مفهوم عام یعنی انتقال دانش و مهارت و شکل دادن اندیشه. این تعریف از دو قسمت انتقال دانش و مهارت به معنی ساختن و شکل دادن اندیشه به مفهوم خلق کردن و آفرینندگی تشکیل شده است. کارلایل درباره این دو واژه اعتقاد دارد که "ساختن مفهومی قابل درک است ولی آفرینندگی؟ کاری است شگرف که به راحتی درک نمی‌شود." حال با توجه به هر یک از قسمت‌های تعریف، این سوال اساسی مطرح می‌شود که آموزش در حسابداری چگونه باید باشد.

انتقال دانش و مهارت

به طور کلی وظایف حسابداران عبارتند از:

۱- وظایف عادی که در برگیرنده مهارت‌های دفترداری ابتدایی و حسابداری هزینه‌یابی است.

۲- وظایف تکنیکی شامل مهارت‌های بودجه‌بندی و حسابداری مدیریتی می‌باشد.

۳- وظایف ماهرانه که مهارت‌های حسابرسی، تصمیم‌گیری و

گزارشگری را شامل می‌شود.

۴- وظایف پژوهشی که مهارت‌های تحلیلی و طراحی سیستم و مشاور حرفه‌ای مستقل را در برمی‌گیرد.

این وظایف را می‌توان با توجه به پیچیدگی و توانایی تحلیل آنها در نظر گرفت. لذا روش‌های آموزشی برای هر نوع وظیفه به شرح زیر متفاوت خواهد بود:

۱- برای وظایف عادی، روش آموزش کاربردی به کار می‌رود. این نوع آموزش در چارچوب سرفصل‌های دروس مشخص (دروس برنامه‌ریزی شده) انجام می‌گیرد.

۲- برای وظایف تکنیکی، روش تقلیدی

جامعیت از دو جنبه زیر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- نگرش به موارد خاص از زاویه‌ای وسیع (قیاسی و کلی‌نگری نه استقرایی و جزئی‌نگری).

۲- به کارگیری قوه تعمیم، آن هم از نوع تعمیم فرضیه استنتاجی یا خلاق نه تعمیم تجربی.

ب - تعمق

۱- مورد تردید قراردادن آنچه مسلم و بدیهی تلقی شده است (فکر کردن انتقادی): افراد دارای ذهنیت فلسفی با

مقاومت در برابر فشار امر بدیهی، آنچه را که دیگران بدون چون و چرا پذیرفته‌اند زیر سوال می‌برند. این شانس بیشتری برای حرکت به ماورای محدودیت‌های ناشی از تعصب جاهلانه، جانبداری‌ها، ملاحظات شخصی و تصورات قالبی دارد. این ویژگی ذهنیت فلسفی در روش‌های حاکم بر آموزش حسابداری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی از اصول، مفاهیم و رویه‌های حسابداری آنچنان قالبی و متعصبانه وارد ذهن دانشجویان می‌گردد که بعضاً تغییر دادن آن در موارد لزوم به غیر ممکن نزدیکتر می‌شود. گرایش‌های اندیشمندانه به تغییر نگرش‌ها به منظور مورد بررسی و مورد سوال قرار دادن نظرات متداول نشانه‌ای از فرد دارای ذهنیت فلسفی است. یک آموزش صحیح در هر علمی، قادر است تا فرد را از عقاید قالبی، تعصبات جاهلانه و قراردادهای مربوط به محیط رهانیده و او را رشد دهد. هر برنامه‌ریزی یا روش آموزشی که از این لحاظ کوتاهی ورزد، مانع جدی در رشد فرد فراهم ساخته است.

۲- بنا کردن انتظارات بر یک جریان فرضیه استنتاجی - قیاسی تا بر یک جریان ساده استقرایی: این به مفهوم به رسمیت پذیرفتن نقش نظریه در همه امور، حتی عملی‌ترین امور است. یکی از رایج‌ترین اشتباهات زمان حاضر تاکید بیش از حد بر جنبه‌های عملی منفک از جنبه‌های نظری است که این اشتباه از طریق نوعی عمل‌گرایی درک نشده، تقویت شده است.

جدول ۱- انواع وظایف حسابداران و روش‌های آموزش

انواع وظایف حسابداران	روش آموزش
وظایف عادی	کاربردی ←
وظایف تکنیکی	تقلیدی ←
وظایف ماهرانه	ابتکاری ←
وظایف پژوهشی	ابداعی ←

دانشجویان حسابداری در عمل با واقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که در آموزش‌های دانشگاهی خوب درک نشده است. این امر نه به خاطر نظریه‌زدگی بلکه دقیقاً به لحاظ ضعف بنیان‌های نظری آموزش حسابداری و کم بها دادن به پرورش ذهنی است. اصولاً ضعف قدرت تحلیل، فقدان قوه ابتکار و خلاقیت و کاهش تسلط در محیط به استثناء بخش‌هایی که زمینه روانشناختی و تجربی دارد (چرا که اساساً تجربه محصول زمان است) باید به کم باروری ذهنی و اندیشه نسبت داده شود که این نیز ریشه در بنیان‌های نظام آموزشی دارد. از زیر بناهای توسعه هر دانشی ایجاد ارتباط مناسب آن با محیط و سایر علوم است. به نظر می‌رسد دانش حسابداری در ایجاد چنین ارتباطی موفق نبوده است، لذا باید یک تحول و حرکت کیفی در حسابداری ایجاد شود که مناسب‌ترین نقطه برای آغاز، یک رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری است و منظور از آن چیزی بیشتر از موضوع شیوه یا روش‌های متفاوت آموزش، یعنی وارد کردن تفکر یا یک کیفیت تفکری است که می‌توان آن را رویکرد به کارگیری ذهنیت فلسفی نامید. این رویکرد دارای سه بُعد جامعیت، تعمق و قابلیت انعطاف است که به اختصار به تشریح هر بعد با توجه به ملاحظات کاربردی آن در روش‌شناسی آموزش حسابداری پرداخته می‌شود.

الف - جامعیت

مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش فراگیری اصول و استانداردهای اصلی و کاربرد آنها در شرایط مختلف را شامل می‌شود.

۳- برای وظایف ماهرانه، روش ابتکاری به کار می‌رود. که برخرد، دانش، قدرت درک و تجربه و نه بر یک مجموعه قواعد و رویه‌های مدون تاکید دارد. مثال بارز آن، بررسی کار یک حسابرس توسط حسابرس ارشد است.

۴- وظایف پژوهشی قابل انتقال از طریق روش ابداعی آموزش داده می‌شود. این روش بر خلق توانایی بومی در داخل هر کشور برای ایجاد روش‌های جدید یا ارائه راه حل‌هایی برای مشکلات جدید تاکید دارد و در آن جریان آموزش بین دانشجو و استاد کاملاً دو طرفه است. در جدول ۱ انواع وظایف حسابداران و روش‌های آموزش آورده شده است.

هم چنین جدول ۲، چهار برخورد مختلف بین انواع پیچیدگی و توانایی تحلیل وظایف حسابداران را نشان می‌دهد.

شکل دادن اندیشه

ایمان‌نویل کانت، فیلسوف آلمانی و بنیانگذار مکتب فلسفه انتقادی در یکی از گفتارهای خود تحت عنوان "آموزش و پرورش" می‌گوید: "انسان را هم می‌توان بار آورد و به طور مکانیکی آموزش داد (به همان سان که اسبان را بار می‌آورند) و هم ممکن است او را روشن کرد." (بلوری، ۱۳۷۳، ۸).

توانایی تحلیل	تنوع وظایف	
	وظایف با پیچیدگی کم	وظایف با پیچیدگی زیاد
قابل تحلیل	وظایف عادی با روش آموزش کاربردی	وظایف تکنیکی با روش آموزش تقلیدی
غیرقابل تحلیل	وظایف ماهرانه با روش آموزش ابتکاری	وظایف پژوهشی با روش آموزش ابداعی

مجدداً برای طی مدارج بالاتر به انگلستان می‌رفتند و از همین دوران بود که حسابداری دوطرفه جدید به ایران راه پیدا کرد. لذا می‌توان گفت که آموزش حسابداری در ایران امری وارداتی است. از همین سال‌ها مرحوم استاد حسن سجادی‌نژاد منابع حسابداری انگلیسی و مرحوم دکتر عزیز نبوی منابع آمریکایی را جهت آموزش دانش پژوهان در ایران ترجمه می‌کردند. بنابراین با توجه به وارداتی بودن دانش حسابداری، ما تاکنون فقط دانش وارداتی را بومی کرده‌ایم و هیچ برگی به این دانش اضافه نشده است. و آثار نوشتاری ما اکنون عمدتاً برگرفته از منابع کشورهای انگلیسی زبان به ویژه آمریکا و انگلستان و نشأت گرفته از محیط اقتصادی آنجاست که گاهی اوقات با توجه به تفاوت‌های موجود در این دو محیط، اصلاً مصداق آنها در ایران وجود خارجی ندارد.

ب- برنامه‌های درسی رشته حسابداری دانشگاه‌های ما که یا همت مرحوم دکتر علی وثوق و مرحوم استاد حسن سجادی‌نژاد در شورای عالی انقلاب فرهنگی در اوایل انقلاب اسلامی نوشته شده، مبتنی بر برنامه‌های درسی دهه ۷۰ چند دانشگاه آمریکایی و انگلیسی است. محیط حسابداری بر دانش حسابداری تاثیر می‌گذارد و از آن تاثیر می‌پذیرد. از این حیث باید بین برنامه‌های درسی و محیط اقتصادی سازگاری برقرار باشد. یعنی باید برنامه‌های درسی حسابداری را براساس نیازهای استفاده‌کنندگان از اطلاعات

نیروی انسانی ماهر و همچنین شرحی بر این موارد است که بعضی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- ۱- کافی نبودن مدرسان زبده که دانش نظری و تجربه عملی را با هم دارا باشند.
- ۲- تفاوت آشکار بین آموزش و اجرا.
- ۳- کمبود پژوهش‌های کافی در زمینه حسابداری و وارداتی بودن دانش حسابداری.
- ۴- نبودن دوره‌های کارآموزی و یا فقدان دوره‌های کارآموزی مناسب برای دانشجویان حسابداری همراه با تحصیلات دانشگاهی.
- ۵- نامناسب یا ناکافی بودن برخی از برنامه‌های دروس تخصصی.
- ۶- کم توجهی مادی و معنوی به مدرسان و اساتید دانشگاه‌ها.

تمام این موارد و سایر مواردی که وجود دارد به این عبارات ختم می‌شوند: "دانشگاهیان به حرفه‌ای‌ها می‌گویند شما بی‌سواید و حرفه‌ای‌ها به دانشگاهیان می‌گویند شما نمی‌فهمید!! مشکل چیست؟ الف - در گذشته جهت تامین نیروی کاردان و تحصیل کرده برای ثبت و ضبط و گزارشگری رویدادهای مالی حجم زیاد سرمایه‌گذاری خارجی در شرکت ملی نفت ایران که بخش اصلی سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های آن توسط انگلیسی‌ها انجام می‌شد، تعدادی از جوانان ایرانی پس از فراگیری کمی حسابداری و زبان انگلیسی برای ادامه تحصیل به انگلستان اعزام می‌شدند، آنان پس از گذراندن یک دوره دوساله به ایران برمی‌گشتند، مدتی در شرکت ملی نفت ایران کار می‌کردند و

وقتی فرد از تعمق (یعنی حرکت استنتاجی در ژرفای اطلاعات خام تجربی حسی مشهود) کوتاهی کند، انتظارات او مبتنی بر شرطی شدن استقرایی، روانشناختی است، ضرورتاً چنین انتظاراتی پاسخ‌های شرطی شده هستند. مثلاً در حسابداری، اغلب دانشجویان به جای درک ماهیت دارایی، معنای آن را بیشتر با فهرستی از انواع دارایی‌ها تجربه کرده‌اند.

ج- قابلیت انعطاف

۱- رها شدن از جمود روانشناختی: اساساً منظور از جمود روانشناختی به تجربه و یافتن یک اصل یا روش کار و اصرار ورزیدن به آن مربوط می‌شود در حالی که در آموزش مبتنی بر ذهنیت فلسفی، الزاماً نباید اینگونه بود.

۲- ارزش سنجی نظریات جدا از منبع آنها: افکار یا نظریات با دسته‌بندی قابل انتقالند و دسته‌بندی اغلب اصلی روانشناختی است تا منطقی. به بیان دیگر، ارزش هر نظر یا فکر لزوماً به ارزش افکار یا نظریات موجود در آن دسته مربوط نمی‌شود. نکته قابل توجه آن است که ابعاد رویکرد فلسفی باید حاکم بر تمام چهار روش آموزش کاربردی، تقلیدی، ابتکاری و ابداعی باشد.

چالش‌های دانش و حرفه حسابداری

منظور از چالش‌های دانش و حرفه حسابداری، مشکلات موجود و عوامل بازدارنده رشد آموزش حسابداری و تاثیر این آموزش بر حرفه حسابداری و تامین

حسابداری تنظیم کنیم.

ج - در برنامه‌های دروس تخصصی، مطالب استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای مانند سامانه‌های اطلاعاتی حسابداری و مدیریت (آموزش‌های کاربردی رایانه) و برنامه‌های حسابداری مانند اکسل و آفیس گنجانده نشده و جدی گرفته نشده است. وجود فقط یک درس سه واحدی برای رایانه آن هم به دلیل عدم هماهنگی با سایر دروس تخصصی، کارایی لازم را ندارد و کافی نیست البته نکته قابل توجه این است که هنوز هم اکثریت دانشگاه‌های ما نمی‌توانند سخت‌افزار لازم را تدارک ببینند.

د - ناسازگاری برنامه‌های درسی حسابداری و عمل (دانش و حرفه) حسابداری بر اثربخشی دوره‌های آموزش دانشگاهی اثر منفی گذاشته است زیرا به دلیل فرایند وارداتی بودن دانش و علم معمولاً آموزش ما جلوتر از صنعت حرکت می‌کند. دانشجویان معمولاً چیزهایی را یاد می‌گیرند که مثلاً ۱۰ سال آینده به کارشان می‌آید و این به دلیل عدم ارتباط صنعت و دانشگاه است. در کشورهای پیشرفته ابتدا مسایل و مشکلات در صنعت پیش می‌آید و به دنبال آن کوششی فراوان برای حل و فصل آن صورت می‌گیرد سپس حاصل یافته‌های صنعت به دانشگاه وارد می‌شود در دانشگاه با تکیه بر این یافته‌ها، نظریه‌های مطرح شده را صورت‌بندی و نتیجه را به صورت مقاله در مجلات علمی منتشر می‌کنند و سپس درباره آن بحث و مجادله می‌نمایند تا مباحث را پرورش دهند آنگاه آن را به صورت دانش در کتاب‌ها وارد می‌کنند تا همگان از آنها استفاده کنند. اما دانشگاه‌های ما به صورت مداوم دانش وارد می‌کنند یعنی به نوعی مقالات و کتاب‌های آنها را خریداری و با ترجمه در اختیار دانشجویان می‌گذارند که در آینده اداره‌کنندگان جامعه ما هستند در حالی که در جامعه و صنعت ما بستر کافی برای عمل به این دانش فراهم نشده است.

ه - مساله خیلی مهم دیگر این است که فرایند نظریه‌پردازی در ایران بسیار ضعیف

است و اساساً باید گفت که اصلاً وجود ندارد.

و - از آنجایی که درآمد در بخش حرفه حسابداری بیشتر از تدریس است، بیشتر اساتید ما به تدریس به عنوان شغل دوم نگاه می‌کنند و یا بعضی از آنها به دلیل عدم وجود فرصت‌های کاراجرایی حسابداری در منطقه مجبورند واحدهای درسی بیشتری بگیرند و بیشتر تدریس کنند تا تحقیق که این خود سهم فراوان در کاهش کیفیت تدریس و آموزش دارد.

چه باید کرد؟

۱- روش‌های قدیمی و منسوخ تزریق اطلاعات به شاگردان و دانشجویان باید برداشته شود. دانشگاه باید مکانی باشد که دانشجو در آن یاد بگیرد که چگونه فکر کند، چطور تجزیه و تحلیل و استدلال نماید لذا باید با بازنگری در برنامه‌های دروس، واحدهای قابل ملاحظه‌ای از دروس زاید حذف شود و دروسی مانند تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی، آشنایی با قوانین مالی، مالیاتی و تجاری، آموزش‌های کاربردی رایانه با تاکید بر اینترنت و برنامه‌های مالی و حسابداری و هم چنین درسی به نام آیین مکاتبات اداری، در برنامه دروس این رشته اضافه شود.

۲- باید دانشجویان به صورت کارآموز به موسسات حسابرسی و واحدهای تجاری معرفی و مشغول کار شوند تا با امتزاج نظری و عملی با کمبودهای نیروی انسانی مقابله شود.

۳- تشویق و ترویج همکاری‌های حرفه - دانشگاه: تشریک مساعی نزدیکتر بین حرفه حسابداری و دانشگاه‌ها از طریق:

الف) وادار ساختن استادان حسابداری و حسابداران حرفه‌ای بخش دولتی و خصوصی به خدمت و قبول عضویت در کمیته‌های مشورتی حسابداری مانند انجمن‌های علمی حسابداری که به گسترش دانش حسابداری کمک می‌کنند.

ب) دعوت از حسابداران حرفه‌ای به کلاس‌های درسی دانشگاهی و تحریک آنها به قبول تشریک مساعی در جلسات پرسش

و پاسخ دانشجویان که محصول اصلی چنین همکاری‌هایی گسترش برنامه‌های پویای حسابداری است که با مقتضیات محیطی ایران ارتباط تنگاتنگ دارد.

این همکاری‌ها می‌تواند با ایجاد برنامه‌های کارآموزی، دانشجویان را قادر سازد از تجربه‌های عملی در جهت تکمیل تحصیلات دانشگاهی خود استفاده کنند و علاوه بر این حسابداران حرفه‌ای می‌توانند منابع لازم را برای استادان دانشگاه به منظور انجام مطالعات و پژوهش‌های مربوط به حسابداری تامین کنند و از این طریق به اعتلای آموزش و عمل در این حرفه کمک موثری نمایند.

۴- آموزش و تحصیلات عالی به برای استادان حسابداری و توجه بیشتر به وضعیت معیشتی آنان.

۵- آموزش مقامات دولتی در زمینه نقش و فواید حسابداری در توسعه اقتصادی، زیرا بخش اعظم ساختار اقتصادی کشور ما دولتی و در توسعه همه جانبه کشور حرف اول را می‌زند.

۶- ایجاد و تشویق به توسعه فعالیت‌های انجمن‌های علمی دانشجویان حسابداری، رشته ما نیاز به دانشجویان مستعصب دارد، دانشجویانی که با سخت‌کوشی و تحمل مرارت تحقیق و پژوهش، آینده این رشته را رقم بزنند.

منابع و مآخذ

- ۱- فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال اول، شماره ۲، پاییز ۷۱، صص ۸۰-۹۰.
- ۲- بدری، احمد، رویکرد فلسفی در آموزش حسابداری، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال دوم، شماره ۶ و ۷، زمستان ۷۲ و بهار ۷۳، صص ۵۰-۵۳.
- ۳- فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال نهم، شماره ۲۹، پاییز ۷۸، صص ۵۰-۸۴.
- ۴- فصلنامه حسابرسی، شماره ۱۵، تابستان ۸۱، صص ۲۱-۳۱.
- ۵- ماهنامه حسابدار، شماره ۱۳۸، شهریور ۷۹، صص ۴۱-۴۴.
- ۶- ماهنامه حسابدار، شماره ۱۵۶، آذر ۸۲، صص ۲۹-۳۱.